



فاطمه رهبر:

دولت وام‌هایی را برای پرداخت مهریه در نظر گیرد

رهبر گفت: دولت و خیرین می‌توانند برای بحث مهریه سرمایه‌گذاری کنند و صندوق ذخیره‌ای برای مهریه و نفقه تعریف کنند، همچنین دولت می‌تواند وام‌هایی را نسبت به پرداخت مهریه در نظر گیرد مهریه کم و یا زیاد خوب است زیرا...

نصر عزیزی:

کلاه جدید اصلاح‌طلبان

یکی از نشان‌ها و علامت‌های نفاق، دروغ‌گویی می‌باشد. آدم‌های منافق سعی می‌کنند دروغ واضح و آشکار را راست جلوه دهند. در قرآن مجید هم صفت نحن مصلحون برای منافقین ذکر گردید. نفاق گاهی اوقات فردی و گاهی نیز جریانی و سیاسی است...

www.shoma-weekly.ir

دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۹۸ ■ ۲۶ ذی القعدة ۱۴۴۰ ■ ۲۹ جولای ۲۰۱۹ ■ شماره ۱۰۷۶ ■ ۱۰۰۰۰ ریال

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی:

هیچ یک از مراکز صد نرخ تورم ادعایی رئیس‌جمهور را تأیید نمی‌کنند



آیت‌الله مصباح‌اصولگرایان را به کدام رویکرد مؤتلفه فراخواند؟

آیت الله مصباح اصولگرایان را به کدام رویکرد مؤتلفه فراخواند؟

سرمقاله

محمد مهدی اسلامی

آیت الله

مصباح یزدی
اخیرا در

دیداری فرموده‌اند: «اگر همان راهکاری که امام (ره) برای هیأت‌های مؤتلفه داده بودند، در حزب جمهوری اسلامی رعایت می‌شد، عاقبتش به اینجا نمی‌انجامید.»

این جمله در تشریح توصیه «باید نوعی وحدت بر اساس هدف، بین افرادی که همکاری می‌کنند ایجاد شود تا دسترسی به نتیجه امکان‌پذیرتر شود.» بیان شده است. ایشان در بخشی دیگر هم فرموده‌اند: «باید سعی کنیم افراد برجسته از گروه‌های مختلف دور هم جمع شوند و تبادل نظر کنند؛ البته باز هم نباید انتظار داشت که در این جلسات همگان به نظر واحدی برسند، اما این جلسات می‌تواند سبب افزایش آگاهی‌ها و رفع سوء تفاهم‌ها شود. ارتباط بین سران گروه‌ها، هم وحدت گروه‌ها را تقویت می‌کند و هم موجب جلوگیری از انشعاب در گروه واحد می‌شود. این درس را از راهنمایی حضرت امام (ره) می‌توان گرفت؛ حتی همین امروز نیز از سالم‌ترین گروه‌های انقلابی، همین هیأت‌های مؤتلفه هستند که روح انقلابی در آن‌ها وجود دارد.»

این نوع نگاه آیت الله مصباح یزدی به وحدت، امری جدید نیست. ایشان در ادوار گذشته نیز چنین توصیه‌هایی داشتند. به عنوان نمونه در خرداد ماه سال ۱۳۹۴ که مقدمات فعالیت‌های انتخاباتی مجلس دهم در حال انجام بود، آیت‌الله مصباح یزدی در دیدار با نمایندگان احزاب پایداری، مؤتلفه اسلامی و ایشاگران توصیه کردند که اصول‌گرایان

نشریه‌های بعثت و انتقام با همت ایشان تهیه و با مشارکت مؤتلفه اسلامی چاپ شده و به دست انقلابیون می‌رسید. ایشان از این ارتباط در گفتگو با هفته نامه ۹ دی در تاریخ ۶ دی‌ماه ۱۳۹۳ چنین گفته بودند: «ما با هیئت‌های مؤتلفه ارتباط نزدیک داشتیم؛ البته در درجه اول مرحوم آقای بهشتی و مرحوم آقای مطهری به عنوان نماینده امام در هیئت‌های مؤتلفه جلساتی داشتند. چند نفر بودند که معمولاً در جلسات این هیئت‌ها برای سخنرانی می‌رفتند، یکی از آن‌ها مقام معظم رهبری بودند، شهید دکتر باهنر بود، آقای هاشمی بود، بنده هم یکی از آن‌ها بودم... آقای عسکراولادی و آقای شفیق و دیگران، این‌ها از یاران اولیه امام بودند... این‌ها هیچ وقت از ما نخواستند که مثلاً ما مسئولیت ثابتی قبول کنیم... از ما می‌خواستند سخنرانی کنیم ما هم می‌رفتیم... باز هم دعوت کنند قبول می‌کنم، چه اینجا باشد چه آنجا.» همین ارتباط بوده است که موجب شناختی شده که در دیدار اخیر از آن یاد شده بود.

هنگامی که در فروردین ۱۳۹۲ اعضای شورای مرکزی حزب مؤتلفه که برای معرفی نامزد حزب در انتخابات ریاست جمهوری به دیدار ایشان رفتند، آیت الله مصباح گفت: «من بینی و بین الله در این کشور افرادی مطمئن تر، متدین تر، باوفا تر به اسلام و انقلاب از امثال شما سراغ ندارم. نمی‌گویم منحصر به شما، اما شما از آن نوع افرادی هستید که از سالها پیش از پیروزی انقلاب افرادی از گروه شماها - خدا رحمت کند حاج مهدی عراقی و دیگران را - جانشان را کف دست گذاشتند و برای اهداف انقلاب تلاش کردند.»

همه این

مقدمه برای

آن بود که به

یاد آورده شود

که نظر اخیر

آیت الله مصباح

یزدی، سابقه

در سالهای قبل

نیز داشته است

و حاصل از یک

شناخت قدیمی

است. اما توصیه

دقیق امام به

مؤتلفه چه بود که ایشان پیشنهاد به الگو قرار

دادن آن برای وحدت داشته اند؟

مرحوم حبیب الله عسکراولادی هم حافظه

قوی داشت و هم امانتدار بود. از این رو روایت

وی از آن جلسه می‌تواند ملاک قرار گیرد: «

به طور عادی روزهای جمعه و گاهی اوقات

هم وسط هفته به قم می‌رفتیم. این بار خود

امام دعوت کرده بودند که ما به قم برویم که

من بودم و مرحوم شفیق و آقای توکلی بینا و



که امتحاناتشان را در مواقع مختلف انقلاب با موفقیت گذراندند، خوب است که ارتباطاتشان را با یکدیگر تقویت کنند: «در واقع برای رفع اختلاف نظر در مورد روش‌ها باید گفت‌وگو کرد؛ اما درباره اهداف، گفت‌وگو معنا ندارد و نباید ذره‌ای از اهداف که همان مصلحت اسلام است، کوتاه آمد.»

البته ارتباط آیت الله مصباح یزدی با مؤتلفه اسلامی به سالهای دور باز می‌گردد. سالهایی که

شهید عراقی که به عنوان رابط عمل می‌کرد و خدمت امام می‌رفتیم. در این رفتن‌ها و آمدن‌ها، یک روز که مسائلی را خدمتشان عرض کردیم، فرمودند: «در آن اتاق بمانید و نروید.» ما رفتیم و دیدیم عده‌ای از برادرها آنجا هستند که ما آنها را می‌شناسیم، اما نمی‌دانیم که جزو مجموعه ما هستند یا نه. امام تشریف آوردند و فرمودند: «شما خدایان یکی است، قرأتان یکی است، چرا با هم کار نمی‌کنید؟ از حالا با هم کار کنید. [...] از اینجا "هیئت‌های مؤتلفه اسلامی" شکل گرفت. ما به یک شورای دوازده نفره رسیدیم که از هر کدام از این مجموعه‌ها، چهار نفر در این شورای مرکزی عضویت داشتند. با فاصله کمی خدمت امام رسیدیم و وضعیت خود را شرح دادیم. این شورای دوازده نفره چهار نفر هم علی‌البدل داشت و از مجموع خودش چهار نفر را هم برای ارتباط با امام انتخاب کرد که این چهار نفر باز تغییراتی کرد. شهید مهدی عراقی، شهید صادق امانی، شهید صادق اسلامی و بنده عضو اصلی بودیم.» (ویژه نامه مجاهد صادق، ضمیمه شماره ۸۳۰ هفته نامه شما)

مرحوم عسکراولادی در ادامه آن مصاحبه نقل می‌کند که حضرت امام پس از این چند آموزش تشکیلاتی دادند: «در یک بحث مفصلی ایشان فرمودند اولین چیزی که ما باید یاد بگیریم این است که چگونه بحث کنیم بحث، یعنی دو طرفی که در حال صحبتند به دنبال یافتن حق باشند. [...] اما اگر در حال صحبت و بحث با او، به دنبال یافتن جوابی برای او هستید، اسم این را دیگر باید جدل گذاشت. این بحث نیست. [...] پس از اینکه به ما یاد دادند که چگونه بحث کنیم، ما را وارد مرحله جدیدی کردند؛ اهل ایمان باید جمع شوند، متمرکز شوند و قدرت یابند. [...] در جلسه دیگری، ایشان اخلاق تشکیلاتی را پس از اینکه ما به صورت هیئت‌های مؤتلفه درآمده‌ایم، توضیح دادند. امام (ره) فرمودند شما الان مجموعه‌ای هستید که حوزه دارید، مرکزیت دارید، در این حوزه‌ها بحث می‌کنید و اقلیت و اکثریت دارید. بعد فرمودند که اکثریت باید اقلیت را قانع کند و اقلیت هم باید بداند اگر درست عمل کند در آینده اکثریت می‌شود. فشار اکثریت نباید، اقلیت را وادار به تسلیم کند؛ شاید چند سال بعد در زندان، مفهوم این تعبیر را فهمیم. دیکتاتوری‌ای که در حال حاضر در جهان و در اذهان جهانیان به وجود آمده از همان تعبیر امام (ره) است که فرمودند اکثریت نباید خودش را بر اقلیت تحمیل کند.» در این خصوص مرحوم عسکراولادی در مصاحبه‌ای، نکته مهم دیگری را نیز از آن جلسه امام ذکر کرده بود: «اقلیت هم باید بداند که تعداد زیادتری از برادرانش به یک مطلب رسیده‌اند، آن به حق نزدیکتر است، برای قانع شدن از درون آمادگی داشته باشند.»

هیچ یک از مراکز رصد نرخ تورم ادعایی رئیس جمهور را تأیید نمی کنند

به گزارش روابط عمومی حزب مؤتلفه اسلامی، اسدالله بادامچیان در پایان نشست دبیران حزب با اشاره به سفر ظریف به آمریکا و سفر عراقچی به فرانسه گفت: تا چه زمانی این مذاکرات باید تداوم یابد؟ مذاکره برای نتیجه یابی است. نتیجه این مذاکرات چیست؟ تحریم ها؟

وی افزود: گفتگوی ظریف با سناتور آمریکایی به دور از احتیاط های لازم بود. ما نباید دوباره به چاه ویل گفتگوهای بی حاصل بیفتیم.

دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی با بیان اینکه فرانسوی ها با پیشنهاد های وسوسه انگیز، سیاسی بازی می کنند، گفت: اروپا باید به ۱۱ تعهد خود عمل کند و این امر نیازی به گفتگوی مکرر ندارد. هرچه گفتگو بوده طی ۴ سال مذاکره بی وقفه با ۵+۱ صورت گرفته است. مذاکرات برای مذاکرات جز فرصت سوزی و وقت تلف کردن فایده ای ندارد.

بادامچیان تأکید کرد: ایران طبق مواد برجام، در مقابل عدم اقدام آمریکا و طرف های مقابل به تعهدات خودشان می تواند بدون وقفه به ظرفیت تولید قبل از برجام برسد و منافع خودش را تأمین کند.

وی با اشاره به شرارت انگلیس در توقیف کشتی ایرانی گفت: فرستادن واسطه برای حل ماجرای نفتکش در برابر نفتکش بی فایده است. انگلیس باید عواقب اقدام زشت دریایی خود را جبران کند. نفتکش در اختیار ایران، به طور قانونی عمل کرده است و نفتکش انگلیسی مرتکب تخلفات دریایی شده است. انگلستان باید به قوانین دریایی و احترام به حقوق ایران در دریای عمان و خلیج فارس عمل کند.

دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به سخنان رییس جمهور مبنی بر اینکه «دولت فرصت مذاکره را از دست نداده و نخواهد داد و برای مذاکره عادلانه آماده ایم»، اظهار داشت: آقای رییس جمهور توجه کند که فصل مذاکره تمام شده است. چیزی به نام جنگ هم وجود ندارد. اکنون فصل مقاومت است. دولت باید همراه ملت باشد و بررسی کند که چگونه می توان بهتر مقاومت کرد.

بادامچیان با انتقاد شدید از فاسد شدن ۹۰۰ تن سب و پرتقال در دماوند بر اثر بی تدبیری

موجب تأسف است در سال رونق تولید ۹۰۰ تن میوه فاسد و معدوم می شود و مسببین آن مجازات نمی شوند!

مستولان و معدوم کردن این حجم از میوه مورد نیاز مردم، گفت: ما بارها گفته ایم مشکلات اقتصادی کشور به بی تدبیری بازمی گردد و تحریم ها فقط درصدی نقش دارند. موجب تأسف است در سال رونق تولید چنین اتفاقی رخ می دهد و مسببین آن مجازات نمی شوند! اگر همین مقدار میوه در آغاز سال به بازارها تزریق می شد، قطعاً در کاهش قیمت ها و کنترل تورم در بازار میوه تأثیر داشت.

وی در مورد روی کار آمدن جانسون به عنوان نخست وزیر جدید انگلیس گفت: جانسون در حزب خودش با ضعیف ترین آراء انتخاب شده است. در حالی که بحران همه جانبه، انگلستان

را فرا گرفته است. ضمن اینکه حزب کارگر هم با او مخالف است. مردم هم نسبت به او نظر مساعد ندارند. بعید می دانم او مشکل روابط با اتحادیه اروپا و نحوه خروج از این اتحادیه را که اکنون به صورت یک معمای لاینحل درآمده مرتفع کند.

دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی در بخش دیگری از این گفتگو با اشاره به سفر هیأتی از حماس به تهران و دیدارشان با مقام معظم رهبری و مسئولان نظام اظهار داشت: این سفر برای تحکیم روابط ایران با خط مقاومت صورت گرفته است و توافقات صورت گرفته را فقط در عرصه عمل و نبرد با صهیونیسم باید ارزیابی کنیم.

بادامچیان افزود: معامله قرن یک پروژه مرده است. تمام گروه های فلسطینی حتی جنبش فتح به آن «نه» گفته اند. این معامله فقط روی کاغذ باقی مانده است و احتمالاً به زودی به سرنوشت طرح های از این دست دچار خواهد شد.

وی با اشاره به اظهارات اخیر روحانی درباره تورم نرخ مسکن گفت: سخنان رییس جمهور مبنی بر تورم ۳۰ درصدی نرخ مسکن یک شوخی است. هیچ یک از مراکز که رصد تورم را بعهده دارند، این اظهارات را تأیید نمی کنند. ضمن اینکه مردم آشکار می یابند که این اظهارات، اساساً صحت ندارد.

دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی افزود: اکنون مستأجران فقط به رحم و مروت و گذشت و انصاف صاحبخانه ها می توانند امیدوار باشند و گر نه اعداد و ارقامی که بنگاه های معاملات مسکن پشت شیشه مغازه ها نصب کرده اند به هیچ وجه ادعای مطرح شده را تأیید نمی کنند.



سیدمصطفی میرسلیم:

تنها راه آمریکا و اروپا دست برداشتن از روش‌های استکباری است

وی با اشاره به رفتار حقیرانه اروپایی‌ها، افزود: «پس از این جدیت، اروپا متوجه حقارت خود در برابر آمریکا خواهد شد و آمریکا هم ناچار می‌شود در باغی‌گری سیاسی خود تجدید نظر کند. موضوع جنگ نظامی نشان دهنده نهایت حماقت شروع کننده آن است.»

میرسلیم راه رفتار اروپا و آمریکا با ایران را دست کشیدن از زورگویی تعبیر کرد و ادامه داد: «چهل سال تجربه برخورد ایدائی با ایران در زمینه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی نشان داده است که نمی‌توان با ایران از موضع قلدری وارد شد و حق را خفه کرد. تنها راه برای آمریکا و اروپا، کاهش تنش و دست برداشتن از روش‌های استکباری است.»

عضو مجمع تشخیص مصلحت علت عدم اعلام دقیق غنی‌سازی اورانیوم از سوی مقامات وزارت خارجه را ضروری دانست و گفت: «عدم اعلام درصد غنی‌سازی کاملاً ضروری است و دلیلی ندارد ما جزئیات اقدامات خود را فاش کنیم هرچند آنها به راحتی متوجه می‌شوند که ما در اقدام خود اهل مجامله نیستیم.»

وی در پایان با اشاره به تعبیر برخی رسانه‌های خارجی مبنی بر بسته شدن مسیر دیپلماسی ایران بعد از آغاز غنی‌سازی بیش از ۶۷/۳ درصد غنی‌سازی، خاطرنشان شد: «اقدام ایران راه را برای مذاکره سیاسی از موضع برابر باز می‌کند. آمریکا باید فراموش کند که کدخدای دنیا است و باید پذیرای حق باشد؛ این پذیرش هرچه زودتر انجام گیرد به نفع خود آمریکا و همه جهان است.»

پاره کرد این بار اما پشت درهای بسته به روی مطبوعات دست خالی‌تر از همیشه به کشورش بازگشت؛ این عدم نظر مشترک بین شورای حکام نشان از این است که سخنان سران آمریکا دیگر توجیه کننده کارهای وقیحانه و بدون فکرشان نیست و کسی چشم بسته از آنها پیروی نمی‌کند، حال اما ایران طرف‌های برجام را به برداشتن گام سوم کاهش تعهدات برجام تهدید کرده است که اگر اروپا تعهدات خود را عملی نکند گام سوم را اجرایی خواهد کرد.

چندی بعد از شروع گام دوم برجام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عبور غنی‌سازی اورانیوم ایران از مرز ۶۷/۳ را تایید کرد؛ اما معنای عبور از این عدد چیست؟ عبور از مرز ۶۷/۳ درصد غنی‌سازی یعنی ایران از حالت غنی‌سازی سبک خارج شده و به محدوده پنج تا هفت درصد غنی‌سازی یعنی غنی‌سازی سنگین اورانیوم وارد شده است و این دو مرز از لحاظ فنی و دیپلماتیک متفاوت هستند.

سیدمصطفی میرسلیم، رییس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درمورد گام دوم برجام ضمن تأکید به ایران با این کار نشان داد به دلیل چند تحریم اقتصادی در موضع ضعف نیست و به «رسالت» گفت: «گام دوم برجام نشان دهنده جدی بودن ما و حرکت به سمت احقاق حق مان است. این حرکت می‌توانست زودتر شروع شود تا آمریکا و اروپا این برداشت اشتباه را نداشته باشند که ایران بر اثر چند تحریم اقتصادی در موضع ضعف قرار گرفته و دست از حق خود بر می‌دارد.»

برجام، معاهده‌ای که می‌توان آن را به بازی پر پیچ و خم غرب تعبیر کرد، هنوز هم ادامه دارد و این معاهده با بدعهدی آمریکا و تعلل اروپا و متعهد ماندن ایران گره خورده است.

۱۶ تیرماه، همزمان با پایان یافتن مهلت ۶۰ روزه ایران به کشورهای اروپایی، نشست «اعلام اقدامات ایران در گام دوم کاهش تعهدات برجامی» با حضور سخنگوی دولت، عباس معاون سیاسی وزارت خارجه و سخنگوی سازمان انرژی اتمی آغاز شد. در این نشست اعلام شد که از این روز ایران از میزان ۶۷/۳ غنی‌سازی اورانیوم عبور خواهد کرد و میزان غلظت بر اساس نیاز خواهد بود و امروز این موضوع به طور رسمی اتفاق خواهد افتاد.

اما این کار به مزاج معطل مانده اروپا و همواره تلخ آمریکا خوش نیامد و آمریکا در ۱۹ تیرماه برای بررسی اقدامات ایران درخواست برگزاری جلسه‌ای ویژه کرد و خبرگزاری فرانسه به نقل از یک سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که شورای حکام این نهاد دهم ژوئن (چهارشنبه ۱۹ تیر) بنا به درخواست آمریکا جلسه ویژه‌ای درباره ایران تشکیل خواهد شد. بنابراین ۱۹ تیرماه جلسه شورای حکام حدود ساعت ۲:۳۰ به وقت ایران پشت درهای بسته پایان یافت؛ اما غروب همان روز خبر آمد که این کشورها نتوانستند هیچ بیانیه‌ای را تنظیم کنند، قانون رای گیری شورای حکام بر مجموع آرا است اما گویا هیچ کدام به نظری مشترک نرسیدند و آمریکا همان طور که دست خالی از برجام خارج شد و در رصد مطبوعات آن را





حمیدرضا ترقی
عضو شورای مرکزی

ریشه یابی گستاخی های غرب

که علوم مهندسی بنیاد غرب را عیان می کند اما علوم انسانی این قدرت را پنهان کرده و نرم نگاه می دارد.

در حوزه های دیگر نیز به همین صورت است؛ در حوزه تاریخ این علوم یک سبک از قدرت را تولید می کند در عرصه فرهنگ هم چیزی دیگری و دلیل آن نیز این است که مبانی که به لحاظ معرفتی در نطفه علمی غرب بسته شده و شکل گرفته، مبانی استیلاجویانه و قدرتی است. لذا سیستم غرب بر این رویکرد شکل گرفته و به خود هر اجازه ای را می دهد. اردوگاه سرمایه داری و استعماری با همه ی توان سیاسی خود، با همه ی قدرت مالی و اقتصادی خود و با همه ی شبکه های تبلیغاتی خود، دارد فشار می آورد تا شاید بتواند ملت ایران را وادار به عقب نشینی و تسلیم بکند؛ نه فقط از حق هسته ای - حق هسته ای یکی از حقوق ملت ایران است - بلکه می خواهند ملت ایران را از حق عزتش، از حق استقلالش، از حق قدرت تصمیم گیریش و از حق پیشرفت علمیش، وادار به عقب نشینی کنند ۸۷/۲/۱۱

علم در علوم اسلامی ضد تکبر است

علم در سیستم دینی امری خاضع است. چارلی چاپلین می گوید سبب وقتی می رسد، می افتد اما انسان وقتی می افتد، می رسد. واقع در نگاه دین، علم انسان را متواضع می کند و وقتی این اتفاق افتاد، به کمال می رسد. اما خروجی علوم انسانی غربی، تکبر است. اگر سفری به اروپا داشته باشیم، در حوزه فرهنگ نمونه های متعددی از این استیلاجویی فرهنگی را می توان مشاهده کرد.

به طور مثال در فضای عمومی پاریس وقتی به زبان انگلیسی صحبت کنید، به شما جواب نمی دهند یا برخوردی سرد دارند به دلیل آن که این برداشت را دارند که شما زبان من را یاد نگرفته اید و زبان من باید برتر باشد. در حقیقت در اروپا با نگاه سنگین با شرقیان برخورد می شود این در حالی است که اگر یک توریست از اروپا یا کشورهای دیگر به ایران سفر داشته باشد، مردم ایران برخوردی مناسب با او در پیش می گیرند و این به دلیل آن است که علمی که برای مناسبات و روابط اجتماعی ما مبناساز شده، در جوهر خود با تواضع نسبتی دارد اما علم غربی به دلیل این که در ذات و جوهر خود مغرور است، خروجی فرهنگی آن نیز چنین برخوردهایی است.

در حقیقت وقتی ادبیاتی که علوم انسانی غربی در توصیف انسان به کار می برد، حیوانی است، برون داد این فرهنگ نیز انسانی حیوانی و درنده است که قدرت سیاسی هم به همین ترتیب ماجرایی آن در علوم انسانی غربی تعریف می شود.

بنابر این علت مواضع گستاخانه و متکبرانه اروپا و غرب نسبت به ملت ما و دیگر ملت های شرق ریشه در همان علوم انسانی ای دارد که متاسفانه بعضی مسئولین تفاوت آنرا با علوم انسانی اسلامی تشخیص نمی دهند

در حوزه سیاسی علوم انسانی غربی می خواهد که انسان در ذات خود استیلاجویی را قرار دهد و تصرف داشته باشد.

اسلام داعیه تحقق حکومت جهانی را دارد و غرب نیز داعیه حکومت جهانی واحد را دارد اما تفاوت اینجاست که غرب در تفسیر جهانی شدن خود معتقد است همه خرده فرهنگ ها باید به نفع لیبرال دموکراسی مضمحل شده و ملاک ها و استانداردهای غرب بر آن حاکم شود در حالی که در حکومت جهانی اسلامی، حقوق به گونه ای تعریف شده که ظرفیت های متکثر دیگران اعم از مسلمان و غیرمسلمان، شیعه و سنی، مسیحی و ... نیز دیده و لحاظ می شود. اما در دیدگاه غرب این گونه نیست و مثلاً آمریکا به عراق حمله می کند به این بهانه که می خواهد پیام آور دموکراسی در عراق باشد اما با کشتار مردم و پُر کردن زندان ها، می خواهد بگوید من کدخدا هستم. در این راستا یکی از کارویژه های آمریکا، زور است لذا تحریم می کند، حمله می کند، تهدید می کند و ... یعنی خود علم در حوزه سیاست استیلاجو می شود. امروز در پروژه جهانی شدن مفهومی در ادبیات آن شکل گرفته به نام اروپامداری یا غرب مداری و افرادی همچون بابی سعید در کتاب «هراس بنیادین» مطرح می کنند این اروپامداری غربی ها چیست و این مساله را به خوبی تبیین و بیان می کنند چرا که جهان و عقلانیت انسان غربی به این سمت رفته است که به خود اجازه می دهد به جای دیگران تصمیم بگیرد و روش ها و افق ها و جهت های آنها را تعیین کند. بابی سعید ادامه می دهد که باید راه مغرب پیدا کرد که خود را از سیطره اروپامداری خارج کنیم. او می گوید در علم اسلامی راه این مغرب، الگویی به نام خمینیسیم (به تعبیر بابی سعید) راه فرار و گذار از سیطره غربی را فراهم می کند.

بنابر این ایستادگی رهبر معظم انقلاب در برابر تکبر و استیلاجویی غرب و اروپا دقیقاً بر اساس همین شناخت درست از ریشه ی گستاخی های غرب است.

آن چه که گفته شد، بازتاب علم انسانی در حوزه سیاست است در حوزه علم و فرهنگ نیز دوباره این استیلاجویی علوم انسانی غربی مشاهده می شود و این رویکرد گفتمانی را به نام شرق شناسی تولید می کند.

متاسفانه بسیاری از اساتید دانشگاه ما به دلیل آن که منابع غربی را می خوانند، نگاه آنها که خود شرقی هستند، از پشت عینکی است که غرب ساخته و این امر بازتاب بدی دارد. یعنی این حوزه فکر در دانشگاه شرقی، مسلمانان را منفعل می کند.

استیلاجویی در عرصه های علمی

بنابر این، این استیلاجویی نرم و پنهان است که البته برای غرب قدرت می آورد. لذا علوم انسانی آنها قدرتی که برای غرب به وجود آورده، مهم تر از علومی همچون مهندسی است که آن هم برای غرب قدرت در پی داشته ؛ بدین معنا

حضرت آیت الله خامنه ای در ریشه یابی برخورد گستاخانه ی غربی ها از جمله اروپایی ها با ایران در مسائل جاری برجامی، به خصلت «تکبر» آنان اشاره کردند و گفتند: خودبزرگ بینی موجب میشود غربی ها نتوانند حقایق را درک کنند، البته این تکبر در مقابل ملت ها و کشورهای ضعیف برای آنان موفقیت به همراه می آورد، اما در مقابل ملت هایی که نمپهراسند و از حق خود دفاع میکنند، غربی ها را دچار شکست میکند ۹۸/۴/۲۶

علوم انسانی غرب متکبر پرور است

علم غربی به دلیل این که ماموریت خود را تصرف جهان و تغییر عالم قرار داده است، - نه مدل علم اسلامی که ماموریت خود را هماهنگی با عالم و تفسیر عالم قرار داده- در ذات خویش قدرت طلب است.

تفاوت علوم انسانی غربی و اسلامی

در حقیقت علوم انسانی غربی دو تفاوت عمده با علوم انسانی اسلامی دارد؛ نخست این که علم غربی دغدغه تصرف دارد و لازمه اش همین است اما دغدغه علوم اسلامی هماهنگی است به دلیل این که در مبانی هستی شناسی اسلامی، ما بر این باور هستیم که خدای حکیم هر آن چیزی که مقتضی کمال مخلوقاتش بوده، در وجود آنها به ودیعه گذاشته است و ماموریت انسان آن است که این ودایع را هماهنگ و فعال کند لذا با این رویکرد، نیازی به تغییر در عالم نمی بیند. اما ذات علوم انسانی غربی قدرت طلب است به همین دلیل در حوزه علم به یک صورت ظهور پیدا می کند و در حوزه فرهنگ به شکلی دیگر و در حوزه سیاست نیز به گونه ای دیگر. اما تفاوت دوم علوم انسانی غربی و اسلامی در این است که علوم غربی وقتی ماموریت خود را تصرف در عالم قرار می دهد، کارکرد آن جعل قانون می شود در حالی که کارکرد علوم اسلامی کشف قانون است نه جعل آن.

در واقع وقتی علوم انسانی غربی قانون را جعل می کند، دغدغه اش آن نیست که عالم چگونه است، بلکه در این فکر است که عالم چگونه باید باشد؛ در حالی که دغدغه علم اسلامی آن است عالم چگونه است. به عبارت دیگر کارویژه علم انسانی غربی به نوعی صورت گری در عالم است، در حالی که کارویژه علم اسلامی حکایت گری است نه صورت گری در عالم؛ به طور مثال کمال انسان، گیاه، حیوان و ... را در آن قرار داده و مثلاً کمال درخت آن است که میوه بدهد اما علم غربی اموری را جعل می کند و مثلاً می گوید اگر قرار است شما حاکم بر مجموعه ای باشید، باید چنین و چنان کنید. بازتاب این تفاوت این دو علم یعنی علوم انسانی غربی با اسلامی در حوزه قدرت یک نتیجه دارد، در حوزه فرهنگ نتیجه ای دیگری و در حوزه های دیگر نیز پیامدهای دیگری.

علوم انسانی غربی در حوزه سیاست



دوشنبه
۷ مرداد ۱۳۹۸
۲۶ ذی القعدة ۱۴۴۰
شماره ۱۰۷۶

خاطرات خواندنی «حاجی تهرانی با سابقه ترین عضو هیات تحریریه شما»

از دیدار تاریخی ایران و اسرائیل تا کار گروه ورزش حزب مؤتلفه

تا سه هیات یکی شویم و نامش را هم بگذاریم مؤتلفه. اول شدند هیات های مؤتلفه، بعد شدند جمعیت مؤتلفه و بعد از انقلاب هم حزب مؤتلفه اسلامی.

آن روز که اسرائیل در تهران «له» شد
تیرماه سال ۱۳۴۶ فینال جام ملت های آسیا بین ایران و اسرائیل بود. شرایط جدول طوری بود که ایران برای قهرمانی باید بازی را می برد. اسرائیل با مساوی هم اول می شد. آن زمان مردم ایران به شدت از اسرائیل متنفر بودند چون سرزمین فلسطینی ها را گرفته بودند و از طرفی هم جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل شکل گرفته بود. این در حالی بود که دستگاه حکومتی و شاه و درباره با اسرائیل خوب بودند. قبل از اینکه تیم اسرائیل به تهران بیاید ستادی برای استقبال از آنها تشکیل شد. این ستاد را کمیته المپیک که رییس آن شاهپور غلامرضا بود تشکیل داد. آن موقع بلیت های کاغذی مسابقات ملی را بانک ها می فروختند. بانک عمران که وابسته به بنیاد پهلوی بود، بانک ایران و انگلیس و... به هر نفر هم بیشتر از یک بلیت فروخته نمی شد. ماناگهان شنیدیم حبیب القانین کلیمی مشهور و صاحب ساختمان پلاسکو و حبیب ثابت صاحب کارخانه پپسی کولا ۵ هزار بلیت خریداری کرده تا در اختیار کلیمی های مقیم تهران و طرفداران اسرائیل و افراد وابسته به دربار قرار دهند و جایشان هم طرف راست و چپ جایگاه بود.

آن زمان مثل الان فضای مجازی و موبایل نبود که بخواهیم سریع اطلاع رسانی کنیم. یک چاپخانه بود که ما طرفداران آنجا جمع می شدیم. به آن قهوه خانه می گفتند قهوه خانه بهرام ضربتی. آقای شعبان نامی هم بود که هنوز در قید حیات هستند و در قهوه خانه ایشان جمع می شدیم. آن روز نشستیم و بررسی کردیم چه راهی وجود دارد اسرائیل نباید در کشور ما جام را بردارد و ببرد چون مردم از ما انتظار داشتند. یک مقدار پول جمع کردیم. حدود ۵۰، ۶۰ تا بلیت خریدیم. اینها را دادیم به

علاقه دارم مرا به سالن کشتی هفتم تیر می برد. اردشیر هم مرا به امجدیه می برد تا مسابقات فوتبال را تماشا کنیم. البته بعدها پس از پایان خدمت سربازی از طریق همین آقای لارودی به روزنامه آیندگان رفتم و فعالیت مطبوعاتی ام را آغاز کردم. این روزنامه بعد از انقلاب به آزادگان و بعد به ابرار تبدیل شد. حدود سال ۴۱ از طریق پسر عمه ام مهدی دوستانی که عضو حزب مؤتلفه بود و با این حزب آشنا شدم و کارهای سیاسی انجام دادم. سپس با شهید کچویی آشنا شدم و ما سه نفر در حزب مؤتلفه فعالیت مان را ادامه دادیم. تا اینکه حادثه ۱۵ خرداد اتفاق افتاد. بعد از آن حادثه رژیم ستم شاهی قلع و قمع شدیدی را آغاز کرد.

شکل گیری حزب مؤتلفه

دو تن از بزرگان تهران یعنی شهید طیب حاج رضایی و پدر زن ایشان را اعدام کردند و خیلی ها هم دستگیر شدند. چندین سال مملکت وارد فضای خفقان شده بود و دیگر کسی جرات نداشت حرف سیاسی بزند. حتی سلمونی می رفتیم می ترسیدیم حرف سیاسی بزنیم و می گفتیم نکنند این آرایشگر ساواکی باشد. حتی از دلاک حمام ترس داشتیم و تصور می کردیم او هم ساواکی است. در خانه پدر به پسر و پسر به پدر اعتماد نداشت. در آن شرایط دربار دید فرصت خوبی است که لایحه کاپیتولاسیون را به مجلس ببرد. حضرت امام خمینی(ره) به شدت مخالفت کرد. آیت الله بروجردی که مرجع تقلید شیعیان بود وقتی شاه به دیدار ایشان می رفت دو قدم به استقبال شاه می رفت. بعد از اینکه صحبت ها تمام می شد و شاه بلند می شد تا برود آیت الله بروجردی هم چند قدم شاه را بدرقه می کرد اما در همان اتاق شاه می دید که یک روحانی نه موقع ورود و نه موقع خروج از جای خود بلند نمی شود. شاه پرسیده بود این روحانی چه کسی است که نه برای ما بلند می شود و نه نگاه مان می کند؟ به او گفته بودند: ایشان آقای خمینی است که بعد از آیت الله بروجردی قرار است مرجع تقلید شود. کینه شاه از امام از همانجا شکل گرفت. موقعی که آیت الله بروجردی به رجت خدا رفتند شاه پیام تسلیت را به آیت الله حکیم در نجف ارسال می کند. یعنی مرجع ما از این بعد آیت الله حکیم است ولی قم امام(ره) را قبول داشتند. امام خمینی(ره) متوجه شده بودن در شهر تهران سه مسجد وجود دارد که افراد علاوه بر امور دینی و مذهبی، در آنجا کارهای سیاسی هم می کنند. امام(ره) خیلی خوشش آمد و فرمود بروید سران این سه مسجد را بیاورید تا با آنها صحبت کنم. از هر مسجدی دو نفر رفتند خدمت امام(ره) در قم. به این افراد فرمودند شما خیلی کار خوبی می کنید که علاوه به امور دینی و مذهبی کار سیاسی می کنید و به مردم آگاهی می دهید اما چرا همه با هم یکی نمی شوید؟ چرا ائتلاف نمی کنید؟ یعنی لفظ مؤتلفه از زبان امام(ره) خارج شد. شهید عراقی این را گرفت و تشکر کرد و گفت بهترین فرصت است

حاج محمدرضا تهرانی برای اهالی ورزش و بخصوص فوتبال نامی شناخته شده است؛ حاجی از همان عنفوان جوانی فعالیت های ورزشی خود را آغاز کرد و مدتی بعد به سبب علاقه اش به سیاست، فعالیت های سیاسی را نیز به موازات ورزش دنبال کرد. آشنایی با حزب مؤتلفه فصل تازه ای را در زندگی او رقم زد؛ به گونه ای که در تمام سالهای بعد از آن، از این حزب جدا نشد و همچنان با افتخار از این موضوع یاد می کند. حاجی تهرانی از قدیمی و یکی از باسابقه ترین افراد هیات تحریریه هفته نامه شما هست که



همه افراد علاقه و محبت خاصی به ایشان دارند. شناخت خوب او از فضای ورزش در کنار خاطرات نابی که از اتفاقات مهم دهه های دور دارد، موجب می گردد تا از مصاحبت با وی خسته نشویم.

حاجی تهرانی را بی شک می توان یک شاهینی اصیل دانست؛ از آنهایی که عشق و علاقه به مکتب شاهین، تار و پود زندگی اش را متأثر ساخت و حتی به تبعیت از آن عشق و علاقه نام فرزندش را شاهین گذاشت.

یکی از روزهای داغ تابستانی، به دفتر جمعیت حامیان هواداران فوتبال ایران که حاجی تهرانی حکم عمود خیمه آن را دارد رفتیم و پای خاطرات شیرین او نشستیم.

بخش هایی از خاطرات غیر ورزشی حاجی تهرانی به سالروز ورود امام خمینی(ره) به ایران در سال ۵۷ و ترور آیت الله خامنه ای در سال ۶۰ و... اختصاص داشت که در مجالی دیگر منتشر خواهد شد.

ورود به تهران و دبیرستان ملی

محمدرضا تهرانی هستم، متولد آبان ماه سال ۱۳۲۱ در شهر بابل. سال ۱۳۴۰ به تهران آمده و ساکن شرق تهران شدیم. دبیرستان فروغی می رفتم که در خیابان نظام آباد بود. سال آخر آمدم دبیرستان زاگرس. در آنجا با آقایان اردشیر لارودی و خدایبامرز حسین حسینی آشنا شدم. حسین حسینی مبصر کلاس ما بود. از کودکی به فوتبال علاقه داشتم در سطح مدارس بازی می کردم. در آموزشگاههای مازندران هم بازی می کردم. حسین حسینی که می دید به ورزش



بچه های خودمان تا زودتر وارد ورزشگاه شوند و روبروی جایگاه را پر کنند. یک تعداد بچه های زبل داشتیم، مثلاً همین آقا داریوش رنجبران که اینجا حضور دارد. هاشم قاسمی، احمد گربه بچه پامنار که دیوار صاف را بالا می رفت. محسن دو پوسته، علی هرکول و... اینها صبح زود رفتند ورزشگاه جا بگیرند و هر کدام با قرار دادن کت

کلاس بودم. از من پرسید چه کسی این را کشیده و من هم سکوت کردم. فیزیک به من نمره ۸ داد. دکتر اکرامی می رود و نمره های بچه را می پرسد و وقتی فهمید من فیزیک ۸ گرفته ام سه ماه تمام مرادر ترکیب اصلی تیم شاهین قرار نمی داد. چند سال بعد حسین کلانی در اوج محبوبیت بهترین بازیکن شاهین می شود. یک بازی که شاهین با راپید رومانی داشته، نامزدش و خانواده نامزدش را به امجدیه می برد تا بازی اش را تماشا کنند. دکتر اکرامی ارنج تیم را می خواند و حتی کلانی ذخیره ها هم قرار نمی گیرد. حالا آبروی کلانی جلوی نامزدش و خانواده او رفته است. در تمرین بعد از بازی جرات نمی کند طرف اکرامی برود و بپرسد چرا من را بازی ندادید؟ کسی جرات این کار را نداشت. همایون بهزادی و بقیه به کلانی می گویند: اشکالی ندارد اگر با دکتر صحبت کنی و دلیل کارش را بپرسی. خلاصه کلانی جلو می رود و مودبانه سوال می پرسد. اکرامی تیکه کلام داشت و می گفت: بچه جون... برمی گردد به کلانی می گویند: بچه جون تو مشکل فنی نداری ولی من رفتم مدرسه ات و متوجه شدم نمره شیمی ۷ گرفته ای. برای همین تو را بیرون نشاندم تا مبادا فوتبال به درست لطمه بزند. کلانی می گوید از آن روز کتاب شیمی از من جدا نمی شد و حتی سر تمرین با خودم کتاب می بردم.

یک بازی بود بین شاهین و دارایی که تیم ما ۴ بر یک شکست خورد. یک گل را هم حمید جاسمیان زد. اکرامی اسم محمد بوقی را بلد نبود اما خیلی ناراحت بودیم. روز یکشنبه تمرین شاهین در دانشسرای تربیت معلم بود و ما هم رفتیم سر تمرین تا ببینیم چرا بچه ها به آن شکل شکست خوردند. به محمد بوقی گفتیم تو تنها لیدر ما بود گفتیم تو برو با دکتر اکرامی صحبت کن و بگو این چه بازی ای بود که بچه ها انجام دادند؟ محمد با همان لهجه شمالی خود رفت جلو به دکتر اکرامی گفت: آقای دکتر سلام، جمعه این چه بازی ای بود که بچه ها انجام دادند؟ دکتر خیلی زود متوجه می شود که او چه می خواهد بگوید. برگشت گفت: تو دیگه چی می گی حسین بوقی؟ رنگ از صورت محمد پرید و رو به ما کرد و گفت: من برای این باشگاه این همه بوقی زدم. مدیر باشگاه من را نمی شناسد و نمی داند اسم محمد است و می گوید حسین بوقی! حالا شما با الان مقایسه کنید که مکدیران باشگاهها صبح تا شب با لیدها هستند و ناهار و شام می خوردند. حالا آن لیدر را با این لیدر مقایسه کنید.

پول ها را با کارت ن به خانه دکتر می بردیم!

آن زمان بعد از بازی های شاهین پول بلیت ها را داخل کارتن می ریختیم و ما نزدیکان دکتر اکرامی شب می رفتیم خانه دکتر در پل رومی. در یک اتاق کارتن را خالی می کردیم و تا دوازده شب پول ها را جدا می کردیم و می شمردیم. دکتر به بازیکنان پولی نمی داد و فقط وسایل ورزشی می خرید. می گفت من می خواهم با این پول ها باشگاه بسازم. یک روز ما را برد به منطقه نارمک که بیایان بود و گفت: اینجا را تماشا کنید! اینجا را می خرم و باشگاه را می سازم. یکی دو تا بچه ها پوز خند زدند. بعدها باشگاه ساخته شد و خیابان های اطراف درست شد.

چگونه شاهینی شدم؟

وقتی به تهران آمدم. شنبه های رفتم در صف روزنامه فروشی تا کیهان ورزشی بخرم و هنوز هم این عادت را دارم و مجله را می خرم. در دبیرستان زاگرس با فوتبال بیشتر آشنا شدم. دوستانی در شاهین داشتم و متمایل شدم به شاهین. خب شما می دانید که نام پسر من هم که خودش بیست سال سابقه رسانه ای دارد شاهین است. عباس شیر خدا متولد کاشان در سال ۱۳۱۶ به تهران می آید و اسمش را به عباس اکرامی تغییر می دهد. یک بازیکن فوتبال و یک معلم ورزش بود. در دانشسرای عالی تحصیل می کند و دکتر می شود. دکتر اکرامی به انگلستان می رود. آنجا با سر استنلی راس رییس فدراسیون آنجا آشنا می شود. همین راس بعدا رییس فیفا می شود. دکتر اکرامی توسط او دوره نوین مربیگری در باشگاه آرسنال را می بیند. وقتی به ایران بر می گردد تصمیم به تشکیل باشگاه می گیرد و در سال ۱۳۲۰ مجوز تاسیس باشگاه شاهین را می گیرد. خودم از دکتر اکرامی پرسیدم که اسم شاهین را از کجا آوردید؟ گفت: کتاب حافظ دستم بود و فال گرفتم که شعر: ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد را دیدم و اسم تیم را شاهین گذاشتم. شاهین تیز پرواز ترین پرنده است که از گرسنگی هم بمیرد مرده خوار نیست و شکار می کند. تعصب شاهینی ها به اندازه ای بود که اسم پسر اول خود را شاهین می گذاشتند و بنده هم همین کار را انجام دادم. دکتر اکرامی باشگاه را روی سه اصل اخلاق،



درس و ورزش بنا کرد.

مهندس خسرو غفاری، دایی حسین کلانی است. ایشان برای من تعریف می کرد آن موقع پدرم وضع مالی اش خوب بود و ماهی ۵ تومان به من می داد و من هم ماهی ۲ تومان می دادم به باشگاه شاهین حق عضویت. برای او کارت با شماره عضویت صادر کرده بودند. گفت شماره عضویت من تاریخ دقیق عضویت در باشگاه بود. دکتر اکرامی چون به درس بجه اهمیت زیادی می داد می رفت و درباره درس بازیکنان سوال می کرد.

دایی حسین کلانی برای من تعریف می کرد که در دبیرستان فیروز بهرام ۴ معلم بودند که خیلی معروف بودند. یکی بود بنام پروخین که کلیمی بود. دایی حسین کلانی می گوید: یک روز قبل از حضور این معلم سر کلاس، یک نفر آمد و روی تخته سایه شکلک ضد یهود کشید و پروخین وارد شد و شکلک را دید. من مبصر

و وسایل خود برای چند نفر جا گرفتند و حدود ۳۰۰ تا جا گرفتند.

خود ما هم افراد تنومند و قوی را فرستادیم کنار در بزرگ امجدیه بایستند. بازی ساعت دو نیم ظهر شروع می شد چون آن زمان امجدیه نورافکن نداشت. این بچه های تنومند ساعت ۱۲ جلوی در بودند. این بچه ها یا علی (ع) گویان به در فشار آوردند و در از جا کنده شد. در که کنده شد مردم با بلیت و بدون بلیت وارد ورزشگاه شدند. ۵ هزار تا آدمی که القانیان و حبیب ثابت برایشان بلیت خریده بودند ماندند بیرون. روز عجیبی بود؛ انگار همین دیروز بود. افراد که می آمدند یکسری کلاه کاغذی درست می کردند و بالای کلاه می نوشتند: ایران ۴ - اسرائیل صفر تا جو روانی علیه تیم آنها درست کنند. آن زمان موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل بود و یک چشم بود و برخی از مردم برای تمسخر او وقتی وارد امجدیه می شدند یک چشم خود را مثل دزدان دریایی می بستند.

من، مرحوم محمد نایب عباسی معروف به محمد بوقی، کریم صوری، فتح الله غریب نواز، آقا قدرت و... ساعت یکی و نیم رفتیم روبروی جایگاه ایستادیم. اسرائیل چون تازه ایجاد شده بود افرادی از کشورهای مختلف به آنجا می رفتند و فوتبالیست های خوبی هم از نقاط مختلف اروپا عضو تیم آنها بودند. ویسوکر یکی از بهترین گلرهای شوروی سابق گلر آنها بود. اسپیکر هم بازیکن خوبی بود که از اروپا رفته بود در تیم آنها. از کشورهای اتریش و هلند و لهستان هم بازیکنان خوبی داشتند.

ساواکی ها ما را با خودشان بردند

داوران بازی از هند بودند. بازی شروع شد و ما هم شروع کردیم به تشویق کردن. یواش یواش مرگ بر اسرائیل شروع شد.

گل اول را آنها زدند. باور کردنی نبود. شور و هیجان ورزشگاه به سکوت تبدیل شد. یکسری از سفارت آنها آمده بودند که شادی می کردند و دست می زدند. نیمه اول یک بر صفر تمام شد و ما باید دو تا گل می زدیم. نیمه دوم همه استادیوم ایران - ایران می گفتند. ما با تمام وجود تیم را تشویق می کردیم. همایون بهزادی یک گل زد. گلر آنها زنگی کرد و توپ را از دروازه خارج کرد اما کمک داور اعلام گل کرد و بازی ۱۰ دقیقه متوقف شد.

بعد از گل همایون تشویق های ما چند برابر شد تا اینکه در دقیقه ۸۶ قلیچ خانی از وسط زمین توپ را زد و گل پیروزی تیم ما رقم خورد. بعد از گل ورزشگاه منفجر شد.

مردم از شادی گریه می کردند. بعد از بازی ما با کمک بچه های مؤتلفه جمعیت را به سمت خیابان مفتاح هدایت کردیم و سپس به سمت سعدی و لاله زار. جمعیت که به میدان توپخانه سابق رسید برای اولین بار مردم شعار مرگ بر شاه سر دادند.

فردا در قهوه خانه شعبان نشسته بودیم و داشتیم اتفاقات بازی را تعریف می کردیم که ساواکی ها ریختند و بنده و چند نفر دیگر را بردند. کلاتری ۷ رفتیم که روبروی امجدیه بود. حدود یک هفته آنجا بودیم که مرحوم همایون بهزادی به داد ما رسید. بعد از مرحوم تختی همایون بهزادی در آن سالها محبوب ترین ورزشکار بود.

علاء میرمحمد صادقی:

باید از فرصت های سرمایه گذاری نهایت استفاده را برد

کنند تا بسترها برای اجرایی شدن آن فراهم شود که ان شاء... تا ۱۰ روز آینده این اتفاق خواهد افتاد. خود بیانیه هم شامل تذکراتی است که عوامل اجرایی و اقتصادی کشور و حکومت را خطاب قرار داده است و اگر این پیشنهادها اجرایی شود، ان شاء... می توانیم از مشکلات عبور کنیم.

موفقیت در زمینه های دیگر هم حاصل خواهد شد.

نایب رئیس اتاق تهران در گفت و گو با خراسان درباره بیانیه مشترک نمایندگان افزود: این بیانیه الان به تصویب هیئت نمایندگان رسیده است و برای مراحل بعدی، هیئت رئیسه باید مسائل را به دولت و نهادهای مربوط منتقل

عضو هیات داورى حزب مؤتلفه اسلامى گفت: باید زمینه ای فراهم شود تا سرمایه هایی را که در نقاط مختلف وجود دارد، تا حد امکان، برای صنعت ایران جذب کنیم. فکر می کنم اگر بتوانیم در این زمینه به نتیجه برسیم، حتما موفقیت در زمینه های دیگر هم حاصل خواهد شد.

علاء میرمحمد صادقی، نایب رئیس اتاق تهران نیز با اشاره به فرصت های اقتصادی ایران گفت: خوشبختانه شرایط کشور ما هم از نظر طبیعی استعداد سرمایه گذاری فوق العاده ای دارد، به صورتی که اگر کسی سرمایه گذاری داشته باشد، می تواند به راحتی به نتیجه مطلوب دست یابد و هم از لحاظ نیروی انسانی و هوادار، در وضعیت مطلوبی قرار داریم. باید زمینه ای فراهم شود تا سرمایه هایی را که در نقاط مختلف وجود دارد، تا حد امکان، برای صنعت ایران جذب کنیم. فکر می کنم اگر بتوانیم در این زمینه به نتیجه برسیم، حتما



اسدالله عسگراولادی:

سرمایه گذاران از مجوز اقامت ۵ ساله استقبال نمی کنند

حزب مؤتلفه اسلامی و رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین، توجه دولت به سرمایه گذاری خارجی و تصمیم گیری در این حوزه را حائز اهمیت می داند و در عین حال تأکید می کند که بعید است این طرح هیات وزیران از سوی سرمایه گذاران خارجی با استقبال مواجه شود.

عسگر اولادی در توضیح چرایی عدم استقبال از اعطای مجوز اقامت پنج ساله به اتباع خارجی سرمایه گذار در ایران، به «پایگاه خبری اتاق ایران» گفت: بر اساس قانون سرمایه گذاری در برخی از کشورهای اروپایی مانند پرتغال یا چکاسلواکی، در صورتی که اتباع خارجی مبلغ ۲۵۰ هزار دلار را نزد بانک های همان کشورها سپرده گذاری کنند، می توانند اقامت آن کشور را بگیرند. زمانی که سرمایه گذاران خارجی فرصت اقامت در کشورهای اروپایی را با همین مبلغ که دولت ایران تصویب کرده داشته باشند، چه دلیلی دارد که آن ها ایران را برای سرمایه گذاری انتخاب کنند؟

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین در پاسخ به این سؤال که اعطای مجوز اقامت پنج ساله به اتباع خارجی سرمایه گذار می تواند محرک خوبی برای تشویق سرمایه گذاران کشورهای همسایه در ایران باشد، گفت: صرف نظر از کشورهای اروپایی، در کشورهای همسایه مانند افغانستان، عراق، ترکیه و حتی لبنان هم سرمایه گذاران با مبلغی حدود ۳۰۰ هزار دلار می توانند اقامت بگیرند و با توجه به اینکه ایران به لحاظ ریسک سرمایه گذاری جایگاه اقتصادی قابل توجهی در میان کشورهای همسایه ندارد، بنابراین این طرح بعید است که سرمایه گذاران کشورهای همسایه را هم جذب

محدودیت های بی سابقه ای مواجهه است و کشورهای همسایه برای جذب سرمایه گذار خارجی نیز تلاش می کنند تا از ایران سبقت گیرند، کار دولت بسیار دشوار خواهد بود و نیازمند برنامه ریزی متفاوت است. فعالان بخش خصوصی معتقدند، جلوگیری از خروج سرمایه از کشور با بهبود فضای کسب و کار می تواند از مهم ترین اولویت های دولت در وضعیت فعلی باشد که جذب سرمایه های خارجی را هم به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد آن ها، ثبات سیاسی و اقتصادی، قابل پیش بینی بودن متغیرهای کلان اقتصادی، بهبود رتبه ایران در شاخص سهولت کسب و کار و رتبه بندی فعالان و بنگاه های اقتصادی از مهم ترین مؤلفه هایی است که فعالان اقتصادی بر این باورند تقویت آنها، منجر به جذب سرمایه های خارجی در به کشور خواهد شد.

اسدالله عسگراولادی عضو شورای مرکزی

هیات وزیران در تازه ترین تصمیم خود درباره جذب سرمایه گذاری خارجی مقرر کرده است اتباع خارجی که حداقل ۲۵۰ هزار دلار یا معادل آن به ارزهای دیگر در بانک های ایران سپرده بلندمدت گذاشته یا در ایران سرمایه گذاری کنند، پس از تأیید وزارت اقتصاد مجوز ۵ ساله اقامت در ایران دریافت می کنند.

البته این تصمیم هیات دولت، جدید نیست و پیش از این هم بر مبنای قانون حمایت و تشویق سرمایه گذاری خارجی، آن دسته از سرمایه گذارانی که ۳۰۰ هزار دلار در کشور سرمایه گذاری داشتند، برای سه سال اقامت ایران را دریافت می کردند؛ اما اکنون برای تشویق بیشتر سرمایه گذاران خارجی برای حضور در ایران، این مدت زمان افزایش یافته است.

در شرایطی که به گفته فعالان اقتصادی، اقتصاد ایران به دلیل تحریم های آمریکا با



۳ نکته از سفر نخست وزیر عراق به تهران

بتواند دستور سفر نخست وزیر عراق به تهران باشد ولی به نظر میرسد پیام ناگفته این حضور را باید در اجلاس آتی همسایگان عراق یافت آنجایی که مقامات بغداد بویژه عبدالمهدی در تلاش است تا با محوریت تلاش های دیپلماتیک همه این موارد را در آن اجلاس به نتایج مفید و قابل دسترس برساند باید منتظر ماند و دید آیا عراق و بویژه نخست وزیر این کشور توان چنین کاری را دارد یا نه که البته برخی تحرکات ماههای گذشته از نتایج مثبت چنین توانی توسط عادل عبدالمهدی و همراهانش حکایت می کند.



حسن لاسجودی
عضو شورای مرکزی
عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق
در سفری به تهران با مقامات بلند پایه
کشورمان دیدار و رایزنی کرده است.

با توجه به همزمانی این سفر با تحولات داغ منطقه بسیاری بر این باورند که این سفر و گفتگوهای مربوط به آن از سه موضوع نمی تواند خارج باشد:

۱- این سفر با هدف کاهش تنش بین ایران و آمریکا انجام شده و نخست وزیر عراق در این راه می کوشد تا با ارتباط شایسته ای که خود با تهران دارد ایران را به آرامش و راه حل های مسالمت آمیز دعوت کند البته در این راه هم علاقه دولت عراق و هم تمایل واشنگتن از قبل اعلام شده بود.

۲- برخی براین باورند که در چالش اخیر نفتکش ها میان تهران و لندن مقامات انگلیس با توجه به پیچیدگی و در هم تنیده شدن برخی امور با رایزنی های سیاسی فیمابین در تلاشند تا از روابط حسنه عراق جهت حل موضوع و یافتن یک راه حل کم هزینه استفاده کنند و به همین جهت عبدالمهدی پیشنهادهایی به تهران آورده است.

۳- رقابت های پیدا و پنهان ایران و عربستان و ادبیات سخیف مقامات ریاض درباره نقش آفرینی کشورمان در تحولات منطقه شرایط سختی را برای برخی بحرانیها همانند یمن و سوریه و... فراهم ساخته آنجا که مقامات عراقی ابراز تمایل خود را برای یافتن راهکارهای دیپلماتیک در راستای حل اختلافات موجود اعلام کردند و لذا بغداد در تلاش است تا در سایه این سفر، گره رقابت نافرجام ریاض در خاورمیانه را که به مرحله حیثیتی رسیده، بگونه ای مدیریت و به سرانجام رضایت بخشی برساند. سخن آخر: اگرچه این سه موضوع هر یک به اندازه ای اهمیت دارد که

کرمی راد با اشاره به تحولات خلیج فارس:

ضربه پذیری قدرت های تو خالی نمایان شده است

صبر ایران و روند امور نشان داد که دیپلماسی به تنهایی در این زمینه کارایی لازم را نداشته و قدرت های غربی زبانی جز زور را نمی فهمند. وی با بیان اینکه عوارض افزایش تنش در خلیج فارس دامنگیر کشورهای زیادی در منطقه و فراتر از منطقه خواهد شد و عوارض اقتصادی سنگینی را بر آنها تحمیل خواهد کرد اظهار داشت: ایران ثابت کرد که در مقابل تهدیدها عقب نشینی نمی کند و کوتاه نمی آید و از همین حالا کشورهای مختلف باید هزینه اقدامات تحریک آمیز و مداخله گرانه آمریکا و انگلیس را بپردازند.

عضو سابق کمیسیون امنیت ملی و امنیت خارجی مجلس اضافه کرد: شاید در نتیجه برخی وعده ها و فشارها سیاستمداران ما داشتند در برخی مواضع کوتاه می آمدند و به غرب امتیاز می دادند، اما اتفاق های چند هفته اخیر از جمله انهدام پهپاد آمریکایی و اتفاق دیروز و توقیف دو نفتکش متخلف بیگانه و انتشار فیلم های ضبط شده توسط پهپادهای سپاه که ترامپ مدعی بود آن را هدف قرار داده اند، شرایط را به نفع ایران تغییر داده و در موضع برتر قرار داده است.

کرمی راد با اشاره به اینکه ضربه پذیری و ضعف قدرتهای تو خالی بیگانه در منطقه نمایان شده گفت: انگلیسی ها نه تنها هزینه بی عملی خود در برجام که باید هزینه همراهی با آمریکا در ناامن کردن خلیج فارس را هم بپردازند.



دارد و اینکه در صورت لزوم اگر لازم باشد حمل و نقل نفت از این منطقه را محدود خواهد کرد یک شعار نیست.

وی با اشاره به مانور تبلیغاتی و روانی دولت انگلیس و آمریکا در مورد توان نظامی خود در خلیج فارس و تلاش برای ایجاد نیرویی چند ملیتی برای نظارت نظامی و امنیتی بر این آبراهه تصریح کرد: اتفاقا در ارزیابی و تحلیل منطقه عملیاتی حضور نیروهای نظامی دشمن در منطقه برای ما یک امتیاز به شمار می رود چرا که در صورت لزوم نیروهای دشمن در دسترس ما خواهند بود.

کرمی راد با اشاره به اینکه انگلیسی ها در همراهی با آمریکا یک فروند کشتی ایران را در آبهای بین المللی ربوده و گروگان گرفته اند به حق ایران برای مقابله به مثل تأکید کرد و گفت:

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به اینکه ضربه پذیری و ضعف قدرتهای تو خالی بیگانه در منطقه نمایان شده گفت: انگلیسی ها نه تنها هزینه بی عملی خود در برجام که باید هزینه همراهی با آمریکا در ناامن کردن خلیج فارس را هم بپردازند.

محمد کرمی راد در گفتگو با قدس آنلاین با اشاره به طرح این موضوع از سوی هانت، می گوید: انگلیسی ها خیلی زود به آسیب پذیری اقتصادی و امنیتی و البته حیثیتی خود در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز پی بردند.

این عضو اسبق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اظهار داشت: ایران به راحتی نشان داد که با وجود تمامی توان نظامی خارجی از جمله انگلیس و آمریکا در منطقه توان اثبات سلطه و نظارت خود را بر تنگه هرمز

کلاه جدید اصلاح طلبان

نصر عزیزی

عضو شورای مرکزی



یکی از نشان‌ها

و علامت های نفاق،

دروغگوئی می

باشد. آدم‌های منافق سعی می‌کنند دروغ واضح و آشکار را راست جلوه دهند. در قرآن مجید هم صفت نحن مصلحون برای منافقین ذکر گردید. نفاق گاهی اوقات فردی و گاهی نیز جریانی و سیاسی است. سازمان منافقین و نفاق پیچیده آنها عبرتی برای مردم ایران و جهان اسلام در پدیده انقلاب اسلامی بود تا مؤمنان و مسلمانان در ادامه مسیر، به شاخصه های صحیح تشخیص حق از باطل و درستی راه از انحرافات، تسلط و دسترسی داشته باشند، تا شکل گیری نظام و جامعه و دولت اسلامی. مصون از ضلالت ها و گمراهی های شرق زدگی و غربزدگی باشد.

انتساب شهرت و پدیده اصولگرایی و اصلاح طلبی به جریان های سیاسی، با مبانی نظری متفاوت و شیوه ها و روشهای متغیر و نوع بهره برداری های متنوع، بخودی خود نه حق است و نه باطل، و نه مذموم است و نه محکوم، بلکه شاخص ها و معیارها و کارنامه عملکرد جریان ها و نسبت آنها بامبانی دینی و رهنمودهای امام راحل و مقام معظم رهبری و قانون اساسی و تکالیف مصرح، می تواند بخشی از قضاوت صلاحیت و مقبولیت جریان های سیاسی را نشان دهد.

بر اساس شیوه های و معیارهای غربی، در فعالیت های سیاسی و جریانی و بخصوص

انتخابات، حيله و دروغ و مکر و فریب و نفاق امری رایج و مرسوم است. اگر بنا باشد در جمهوری اسلامی توسط جریان ها و اشخاص حقیقی و حقوقی، بخصوص در انتخابات ها این شیوه ها اعمال شود، باید پذیرفت که برای بعضی، اصولگرایی و اصلاح طلبی دروغی بیش نیست و وسیله ای برای توجیه هدف است.

در آستانه انتخابات اتاق فکر اصلاح طلبان، در چاره جویی جدید، برای فرار از پاسخگویی به مردم و توجیه ناکارآمدیهای خود پیشگیری از ریزش رای، به دروغ و حيله جدیدی متوسل شده اند و آن اینکه روحانی اصولگرا است و نسبیتی با اصلاح طلبان ندارد.

آنها به مردم نمی گویند که نامزد اصولگرایان فرد دیگری بود، آنها این حقیقت را کتمان می کنند که ۹۸ درصد مسئولیتها و کارگزاران اجرایی دولت روحانی از اصلاح طلبان بود، آنها نمی گویند که روحانی سالها رابطه مشورتی و سیاسی و تشکیلاتی با شاخص های حقیقی و حقوقی اصولگرایان ندارد، آنها نمی گویند بسیاری از مسؤولیتهای کلیدی دولت روحانی در اختیار فتنه گران زندان رفته منسوب به اصلاح طلبان می باشد. آنها ردای حق و باطل را به شاکله اصولگرایی و یا اصلاح طلبی می پوشانند و اشخاص و قضاوت ها را بر اساس منافع جریانی در این قالب قرار می دهند. آنها دیروز روحانی رای آورنده و پیروز انتخابات را اصلاح طلب می دانستند ولی امروز روحانی نا کارآمد و ناموفق در تامین مطالبات مردم را

اصولگرایی می دانند.

از دید این جریان جلب رای مردم و حضور در قدرت مهم است اصلاح طلبی و یا اصولگرایی و خدمتگزاری بهانه و اصطلاحاتی بیش نیستند. همین جریان، تا مدتی پیش خواهان استعفاي روحانی بودند، زیرا ضمن هماهنگی با جریان فتنه ساز خارج از کشور، دنبال جدا نشان دادن راه خود از روحانی بودند، درحالی که درجه کوری و ناهمپی حاصل از نفاق اجازه درک و تشخیص وجود فهم و شعور آگاهی در جامعه را به آنها نمی داد، و امروز هم می خواهند بگویند اصلا ما نبودیم که همه مسئولیتها و امکانات نظام را در اختیار داشتیم.

جریانها و اشخاص وقتی به درجاتی از نفاق، برای دنیا طلبی و دنیا دوستی مبتلا می شوند، به هر شیوه غلطی برای رسیدن به هدف متوسل می شوند. حال یکی ترور می کند، گروهی داعش را ایجاد می کنند، بخشی در یمن و فلسطین انواع جنایت را مرتکب می شوند. بعضی خوی جهانخواهی دارند و بعضی هم ضمن اینکه در میانه مردم و انقلابیون بوده اند، اخلاق را در سیاست ذبح می کنند و با جسارت و پروپی می گویند؛ روحانی نسبیتی با اصلاح طلبی ندارد.

حاصل این بحث این است که برخی اصلاح طلبان دنبال این هستند که چگونه یکبار دیگر سر مردم کلاه بگذارند و با فریب رای آنها را بگیرند. و منتظر شگردهای دیگرشان در آینده نزدیک باشیم.



دولت وام‌هایی را برای پرداخت مهریه در نظر گیرد



رهبر گفت: دولت و خیرین می‌توانند برای بحث مهریه سرمایه‌گذاری کنند و صندوق ذخیره‌ای برای مهریه و نفقه تعریف کنند، همچنین دولت می‌تواند وام‌هایی را نسبت به پرداخت مهریه در نظر گیرد.

فاطمه رهبر نماینده ادوار مجلس نیز در این برنامه، تأکید کرد: مهریه کم و یا زیاد خوب است زیرا طبق دستورات دینی و آیات قرآنی مهریه حق زن محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: در قرآن آمده است مهریه هدیه‌ای برای زنان است و مرد باید آن را به زن پرداخت کند.

نماینده ادوار مجلس تأکید کرد: مهریه را کی داده و کی گرفته یک ضرب المثل قدیمی است زیرا در گذشته صحبت گرفتن مهریه مطرح نبود اما در سال‌های اخیر برخی‌ها از بحث مهریه سوء استفاده کردند.

رهبر گفت: مهریه به زمان طلاق معطوف نیست و پرداخت مهریه بعد از طلاق و یا ازدواج شرایط خاص خود را دارد.

وی با تأکید بر اینکه باید در بحث مهریه فرهنگ‌سازی شود، افزود: در گذشته میزان نرخ سکه همانند امروز نبود و اعداد مقدسی مانند ۳۱۳ سکه بهار آزادی مطرح بود.

این نماینده ادوار مجلس تصریح کرد: در حال حاضر با توجه به نرخ سکه معادل ۳۱۳ سکه رقم نجومی می‌شود و در این زمینه فرهنگ‌سازی اهمیت دارد، البته بخشی از آن به چشم و هم چشمی برمیگردد.

رهبر گفت: درخواست مهریه بالا به دلیل نگرانی بانوان از طلاق زودرس است زیرا مرد با وجود مهریه‌های پایین می‌تواند به راحتی زن

را طلاق دهد. حمایت از خانواده ماده ۲۲ را تصویب کرد، از این رو اگر زن درخواست دریافت مهریه داشته باشد و مرد توان پرداخت آن را نداشته باشد، سقف مهریه ۱۱۰ سکه است.

نماینده ادوار مجلس تأکید کرد: اگر مرد توان مالی داشته باشد، باید تمام مهریه مشخص شده را پرداخت کند اما این قانون از شدت مشکلات در این حوزه کاست و از حدود ۵ هزار زندانی مهریه، نیمی از آن‌ها آزاد شدند.

رهبر گفت: دولت و خیرین می‌توانند برای بحث مهریه سرمایه‌گذاری کنند و صندوق ذخیره‌ای برای مهریه و نفقه تعریف کنند، همچنین دولت می‌تواند وام‌هایی را نسبت به پرداخت مهریه در نظر گیرد.

وی خطاب به نسل امروزی‌ها، گفت: هیچکس با نگاه تلخ وارد زندگی نمی‌شود اما از روی بی‌تدبیری کار به جای تلخ رسیده است و با خانواده‌های خود مشورت کنند، قطعاً ضرر نخواهند کرد.

وی بیان کرد: در بحث فرهنگ‌سازی همه نهادها از جمله صدا و سیما و مسئولان می‌توانند نقش آفرینی داشته باشند.

این نماینده ادوار مجلس با اشاره به اینکه مهریه عندالمطالبه است و زن هر موقع که بخواهد می‌تواند مهریه را طلب کند، ادامه داد: اما وقتی مهریه عندالاستطاعه باشد یعنی زمانی که مرد توان پرداخت داشته باشد مهریه را به زن می‌دهد و این را می‌توان در شروط ضمن عقد آورد.

رهبر تأکید کرد: سوء استفاده‌هایی در بحث مهریه شده است و در سال‌های گذشته مهریه‌های عجیبی ثبت شد از این رو اعتراضاتی در مجلس هفتم صورت گرفت و باعث شد بخشنامه‌هایی به ادارات ثبت از سوی قوه قضاییه ابلاغ شود و جلوی ثبت مهریه‌های نامتعارف گرفته شد.

وی یادآور شد: مجلس در دوره نهم قانون

لاله افتخاری:

دشمن به دنبال هنجار شکنی برای ممانعت از منافع حجاب است

ادوار مجلس و عضو هیئت علمی دانشگاه روانه آنتن شد. افتخاری با بیان اینکه احکام دین متناسب با فطرت و برای ایجاد امنیت و سعادت و حفظ حقوق افراد در برابر متجاوزان وضع شده اظهار داشت: احکام الهی در همه زمان و مکان‌های زندگی انسان کاربرد دارند و این رویکرد به عفاف و حجاب اهمیت و ضرورت آن را دوچندان می‌کند.

نماینده ادوار مجلس افزود: عفاف و حجاب تنها مورد اشاره و تأکید قرآن کریم نیست این موضوع در همه جوامع و حتی جوامع غیرمسلمان نیز مورد توجه واقع شده است و در آثار باقی مانده از گذشتگان مانند تخت جمشید که اثری از اسلام نبوده نیز کاملاً نمایان است.

عضو هیئت علمی دانشگاه با بیان اینکه قرآن کریم حجاب را به عنوان قانون بشری معرفی کرده گفت: البته عفاف و حجاب خاص زنان و دختران نیست بلکه آقایان را نیز شامل می‌شود.

افتخاری خاطرنشان کرد: تاریخ نشان داده که دشمن برای دور کردن جوامع از منافع خود حجاب و عفاف افراد را نشانه می‌گیرد و آنها را به ابتذال و بی‌عفتی و هنجارشکنی سوق می‌دهد.

نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در پایان "گفت و گوی فرهنگی" رادیو گفت و گو تأکید کرد: عفاف و حجاب از ضروریات دین اسلام است و همچون دیگر احکام باید مورد توجه قرار گیرد و تبیین شود تا فرزندان در خانواده‌های سالم و با نشاط رشد کنند و این به امنیت زنان و خانواده و جامعه کمک خواهد کرد.

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با بیان اینکه قرآن کریم حجاب را به عنوان قانون بشری معرفی کرده گفت: البته عفاف و حجاب خاص زنان و دختران نیست.

برنامه "گفت و گوی فرهنگی" رادیو گفت و گو با موضوع عفاف و حجاب و سبک زندگی در ارتباط تلفنی با دکتر لاله افتخاری نماینده



به برکت دل بُردن مسئولین و ملت از بیگانگان، کشور در حال جوشیدن از درون است؛ همچنان که در دوران جنگ به ما نه سلاح میدادند، نه مهمات میدادند، نه ابزارهای دستِ پایین دفاعی میدادند که مثال سیم خاردار را بارها گفته‌ایم. چون یک چنین وضعیتی پیش آمد، عناصر توانا در درون نظام، در درون کشور به فکر افتادند که خودشان را نجات بدهند از این وضعیت؛ به خودشان فشار آوردند، به خودشان تکیه کردند، به خودشان امید بستند و خب بحمدالله به اینجا رسیدیم.

امام خامنه‌ای ۱۳۹۸/۰۴/۲۵



شرط رونق تولید

سید اصغر رخ‌صفت

یادداشت شفاهی

روزی که صدام جنگ را شروع کرد گفت هفته دیگر تهران هستیم. همبستگی، وفاق و وحدت ملت جلوی او ایستاد. الآن هم اگر «همه با هم» باشیم می‌توانیم کشاورزی و کسب و کار را رونق دهیم و چرخ تولید را راه بیندازیم. دولت و ملت باید دستشان را به هم بدهند و «همه با هم» امام خمینی را اجرا کنند و این تریلی را راه بیندازند؛ نه صندوق‌های قرض الحسنه به تنهایی می‌توانند به مردم خدمت کنند و نه دولت به تنهایی می‌تواند کار کند. یعنی دولت به تنهایی نمی‌تواند بار مردم را بردارد و باید از ملت کمک بگیرد. ان شاء الله خداوند به مسئولین همتی دهد که باور کنند خودشان به تنهایی نمی‌توانند کار کنند و باید ملت را به کمک بگیرند و در کارهایشان سهیم کنند. باید ملت فعالیت و دولت ارشاد کند تا کار راه بیفتد. اگر دولت بخواهد تجارت کند حاصلش همین مشکلاتی است که شاهد هستید. وقتی تجارت، تولید و صادرات ما رونق داشته باشد، چه ترسی از ترامپ و تحریم داریم؟

الآن نه با حرف، بلکه با عمل جلوی دشمن ایستاده‌ایم. در طول هشت سال دفاع مقدس موشک‌های صدام مدام روی سر مردم فرود می‌آمد. من خودم یک بار که می‌خواستم وضو بگیرم از بالای سر من صدای موشک آمد و ۲۰۰ متر جلوتر از من موشک‌ها به زمین خورد. همسایه‌های ما را قتل عام کرد و اگر کمی نزدیک تر بود ما را هم می‌کشت. اگر همه ما با هم باشیم، آمریکا که سهل است، می‌توانیم در برابر همه استکبار جهانی بایستیم. نمونه آن هشت سال دفاع مقدس است. در زمان جنگ مگر همه استکبار جهانی مقابل ما نبود؟ مگر تنها صدام مقابل ما بود؟ آمریکا، روسیه و اروپا همه به صدام کمک می‌کردند. آنها همه با هم بودند و ما هم «همه با هم» شدیم. یعنی برکت انفاص قدسی امام و قدرت و نفوذ کلام ایشان همه مردم را با هم جمع کرد. در مقابل استکبار جهانی با دست خالی ایستادیم، در شرایطی که حتی سیم خاردار هم نداشتیم و به ما نمی‌فروختند، یک وجب از خاکمان را هم دست دشمن ندادیم.

دولتمردم را باور ندارد؛ اگر مردم را باور داشت کار را دست خود مردم می‌داد. مردم، همان طور که جنگ را اداره کردند، کشور را اداره می‌کنند و احتیاجی هم به دولت ندارند. ولی متأسفانه الآن دولت تمام کارهای اقتصادی را در دست خودش گرفته است. ما یک اصطلاح داریم که می‌گویند «دولت تاجر خوبی نیست». باید کار مردم دست مردم باشد. کار دست دولت بودن جز خسارت هیچ ثمری ندارد. اصل ۴۴ باید به طور کامل اجرا شود. من به عنوان یک نفر از احاد این ملت می‌گویم الآن همه امکانات در اختیار ما هست و بهترین نیروهای جوان را هم در این کشور داریم.

مرکز هسته‌ای ما را آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها اداره کردند؟ ما خودمان اداره کردیم. این موشک‌ها را آمریکا و استکبار جهانی برای ما درست می‌کنند؟ در دوران پهلوی همه چیزهای ما را خارجی‌ها می‌ساختند؛ مثلاً سد لتیان را آلمانی‌ها ساختند. زمان شاه راه آهن ما را ایرانی‌ها درست کردند؟



صاحب امتیاز: حزب مؤتلفه اسلامی
مدیرمسئول: محمدمهدی اسلامی
سر دبیر: حمیدرضا ترقی
گرافیک: احمدعبادی
چاپ: چاپ دیجیتال ایران کهن
تلفن: ۸۸۳۴۸۸۹۱-۲
نمابر: ۸۸۳۴۳۸۲۱
شماره پیام کوتاه: ۲۰۰۱۳۴۲
سازمان توزیع: ۸۸۸۲۲۸۹۰
سایت: www.shoma-weekly.ir
رايانامه: info@shoma-weekly.ir
نشانی: خیابان کریمخان زند - خیابان خردمند جنوبی - نبش کوچه یگانه پلاک ۴۴ - کدپستی: ۱۵۸۴۷۳۴۷۱۱

هر روز برای شما منتشر می‌شود

روزنامه الکترونیک حزب مؤتلفه اسلامی

shoma - newspaper ir